

کیهان



معمولا زندگی‌نامه انسان‌های بزرگ تاریخ، آمیخته با افسانه‌ها و خرافه‌هاست؛ که در منابع مکتوبی که نزدیک به زمان یک شخصیت تاریخی نگاشته شده است، کمتر در دسترس باشد، آلوده شدن تاریخچه زندگی او به گزارش‌های دروغ و خرافه‌آمیز بیشتر است؛ شاید در میان شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ بشر، نتوانیم کسی را مانند پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) بباییم که دوستانداران و پیروان و حتی مخالفان او تا این اندازه به بررسی و کاوش در زندگی او پرداخته و از خود علاقه نشان داده باشند.
باور مؤمنان به پیامبر، به عنوان فرستاده خدا و معلم انسان‌ها، این است که گفتار و کردارش معیار و مبناست و باید او را در ابعاد گوناگون زندگی سنجیده و الگوی تشخیص درست از نادوست و حق از باطل قرار دهند؛ از این رو همت بسیار زیادی به کار رفته تا همه رفتارها و گفتارهای او برای جامعه اسلام، زنده بماند و برای همیشه نقشه راه جامعه اسلامی باشد؛ اگرچه جریان خاصی، پس از پیامبر با دست‌اوژد قرار دادن تمسک به قرآن، کوشید تا راه و منش پیامبر را در میان مسلمانان به فراموشی بسپارد، اما مشیت و اراده خداوند از یک سو و احساس و اعتقاد شگرف مسلمانان به شخصیت والای او هرگز اجازه نداد که گذشت روزگار گرد فراموشی را بر چهره دلاری او بنشاناند؛ایه‌لبت و فرزندان پیامبر و در رأس آنها امام علی علیه‌السلام اولین و مؤثرترین کسانی بودند که به نقل گفتارها و الگوهای رفتاری آن حضرت همت گماردند و به صورت سینه به سینه آن را به نسل‌های بعد از خود منتقل کردند؛ یکی از شبهاتی که اخیرا در فضای مجازی منتشر شده و می‌شود، با فراهم آوردن ادله بی‌اساس تاریخی تلاش می‌کند تا این گونه القا کند که نه تنها زندگی‌نامه پیامبر اسلام، جعلی و ساخته و اقتباس‌شده از تاریخ زندگی دیگر شخصیت‌های تاریخی است، بلکه شخصیت خود پیامبر هم ساخته تاریخ‌نویسان است! چیزی که هر انسان افسرده‌ای را هم به خنده وامی‌دارد؛ در این نوشتار یکی از این شبهات بررسی و مورد نقد و پاسخگویی قرار گرفته است.

چکیده شبهه

زندگی‌نامه محمد(ص) سنجیده بوده و آن را عده‌ای ساخته و یا براساس زندگی‌نامه برخی دیگر از پیامبران و یا شخصیت‌های مهم تاریخ نوشته و پرو بال داده‌اند؛ مثلا یکی از مقاطع مهم زندگی او، یعنی مقطع تولدش را همزمان با ماجرای حمله ابرهه به مکه گفته‌اند؛ در حالی که چنین ماجرایی از اساس موهوم و خرافه است! علاوه‌بر این به نظر می‌رسد که نگارش زندگی‌نامه پیامبر اسلام تحت تاثیر زندگی‌نامه بودا انجام شده است!

داستان فیل، معجزه الهی!

وجود یک سوره به نام فیل و تصریح به این رویداد تاریخی، در آیات سوره فیل، حتی اگر قابل به اعجاز قرآن نباشیم، سندی تاریخی و محکم بر وقوع این واقعه است؛ اگر به آیات سوره فیل بنگریم، با حیرت تمام می‌بینیم چگونه قرآن مجید با شیوهٔ اعجاز و اختصارگویی منحصر به فرد، تمام جریان را به صورت کامل و واضح، در کمترین عبارات، بیان کرده است:

«یا ندیدی که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟! یا مکرشان را باطل نساخت؟! و بر سر آنها پرندگانی فوج فوج فرستاد، تا آنها را با بسجیل سنگ‌باران کنند؟ پس آنان را چون کاه پس‌مانده در آخور ساخت.»^(۱)

البته جزئیات بیشتر این جریان در روایات و منابع تاریخی وجود دارد و گرچه درباره برخی از جزئیات آن، میان مورخان و مفسران، اختلافاتی وجود دارد؛^(۲) اما اصل این حادثه مسلم است و برای اعراب، آنقدر مهم بود که سال وقوع آن را، «عام‌الفیل» و به عنوان مبدئی برای تاریخ خود قرار دادند؛^(۳) بیشتر نویسندگان تاریخ نگار، عذاب اصحاب فیل را ۴۰ سال پیش از بعثت و در سال ولادت رسول‌اکرم (ص) دانسته^(۴) و این تفرار را از برکات ولادت آن بزرگوار برشمرده‌اند.^(۵)

سکوت تأیید‌آمیز

مشركان!

دیگر دلیل مهمی که بر صحت این رویداد می‌توان به آن‌اشاره کرد، این است که قریش و مشركان مکه هیچگاه آن را انکار نکردند؛ در حالی‌که می‌دانیم، آنها همواره در پی این بودند تا بر محمد و کتابش خرده گیرند و آن را ناشی از سحر و جنون معرفی کنند؛ اما از هیچکدام آنها سخنی در نفي داستان اصحاب فیل و آیات آن سوره نقل نشده است، در حالی که در آن زمان، افراد زیادی بودند که آن رویداد را با چشمان خود دیده بودند؛ زمانی که پیامبر اکرم(ص) سوره فیل را بر مشركان می‌خواند، با وجود مخالفت شدیدی که با او داشتند، هیچ‌کس آن را انکار نکرد؛^(۶) یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «یکی از ادله متقن بر صحت این داستان، این است که



معارف

Maaref@Kayhan.ir



توجه به سنت و سیره پیامبر(ص) که با عنوان «حدیث» نیز از آن یاد می‌شده است، از نخستین سال‌های پس از حیات پیامبر اسلام و حتی در دوران زندگی آن حضرت وجود داشته است، از این رو مسلمانان از لحاظ شناخت سیره و یا منابع شناخت آن، دچار مشکل جدی نبوده‌اند تا بخوانند سیره پیامبر را تحت تاثیر زندگینامه بودا نگارش کنند؛
بویژه که در دوران صحابه و تابعین، که اطلاعات زیادی از پیامبر اکرم وجود داشته است، کار نگارش سیره شروع شده است.

شباهت به هم دارد؛ پس این دلیل نمی‌شود کسی بگوید زندگی موسی (ع) از زندگی‌نامه یوسف یا ابراهیم (ع) گرفته شده است؛ به ویژه که تقریبا تمام ابعاد زندگی و سیره پیامبر اکرم (ص) واضح است، در مقابل، اما به گفته همه کسانی که به زندگی بودا پرداخته‌اند، زندگی بودا نه تنها کاملاً مشخص نیست، بلکه با افسانه‌هایی نیز آمیخته است؛^(۱) و این درحالی است که بودا سالیان زیادی پیش از پیامبرزندگی می‌کرده است.^(۱۵)

نویسنده سعی دارد این گونه القا کند که زندگینامه بودا در آن زمان برای مسلمانان شناخته شده بوده است، در حالی که هیچ شهادی در این زمینه وجود ندارد و حتی نویسنده نیز با اینکه ادعای بدون دلیل آورده، اما این آشنایی را محدود به سرزمین خراسان کرده و مدعی است که در این قسمت، آشنایی کمی با بودا وجود داشته

*** یکی از مشهورترین سیره مبسوط پیرامون زندگی پیامبر، سیره ابن اسحاق است؛ این کتاب از نخستین آثار جامعی است که تا اواسط قرن دوم در این موضوع نگاشته شده است.**

منابع تاریخی زندگی پیامبر (ص)



است؛ بر فرض پذیرش ادعای نویسنده، باید توجه داشت که نخستین سیره‌نگاری‌ها در جهان اسلام، مربوط به شهر مدینه و صحابه و تابعین است که یقیناً اطلاعی از بودا و زندگینامه او نداشتند؛ چرا که هیچ خبر و گزارشی در این زمینه وجود ندارد. با توجه به دوران نگارش سیره رسول خدا می‌توان به یقین گفت که در آن زمان، دستیابی به زندگینامه بودا بسیار مشکل‌تر از دستیابی به سیره پیامبربوده و اتفاقاً از آشنایی مسلمانان و نویسندگان سیره پیامبر در دوران شکل‌گیری سیره‌ها، به زندگینامه بودا خبری نبوده است؛ چرا که در منابع آن عصر هیچ خبری از بودا و اطلاعاتی درباره او نیست.

از طرف دیگر هرچند مورخان مسلمان چنین ادعایی ندارند که تمام زندگی‌نامه پیامبر اکرم مکتوب شده و به ما رسیده است، اما از آنجا که همواره رسول خدا به دستور قرآن مجید الگو و پیشوای مسلمانان بوده است،^(۹) سیره و حیات آن حضرت مورد توجه و اهتمام همه مسلمانان بوده و از همان قرن اول هجری، کتاب‌های سیره درباره تاریخ زندگی آن حضرت به نگارش درآمده است؛^(۱۰) در واقع زمانی که مسلمانان به نگارش سیره و زندگینامه رسول خدا پرداختند، انگیزه‌های زیادی در این زمینه وجود داشت؛، از جمله می‌توان به لزوم آشنایی آنها با سیره و عملکرد ایشان وتبیین و حل چالش‌های سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی‌اشاره کرد؛ توجه به سنت و سیره پیامبر، که با عنوان «حدیث» نیز از آن یاد می‌شده است، از نخستین سال‌های پس از حیات پیامبر اسلام و حتی در دوران زندگی آن حضرت وجود داشته است؛ با توجه به این دلایل، مسلمانان از لحاظ شناخت سیره و یا منابع شناخت آن، دچار مشکل جدی نبوده‌اند تا بخوانند سیره پیامبر را تحت تاثیر زندگی‌نامه بودا نگارش کنند؛ بویژه که در دوران صحابه و تابعین، که اطلاعات زیادی از پیامبر اکرم وجود داشته است، کار نگارش سیره شروع شده است.

سیره‌ها

چگونه سامان یافته‌اند؟

در اینجا به صورت مختصر به روند شکل‌گیری چند منبع مهم در سیره‌نگاری اولیه‌اشاره می‌کنیم؛ یکی از مشهورترین سیره مبسوط پیرامون زندگی پیامبر، سیره ابن اسحاق است؛ این کتاب با نام دیگرش «کتاب‌المبتدا و المبعث و المغازی» است، از نخستین آثار جامعی است که تا اواسط قرن دوم در این موضوع نگاشته شده است؛ محمد بن اسحاق بن یسار المطلبی (م ۱۵۰) روایات و اخباری را که در زمان خودش، یعنی آخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، در موطن اصلی‌اش، یعنی مدینه، از زبان‌اشخاص آگاه و موفق، که عده ایشان از صد نفر می‌گذرد، به گوش خود شنیده، جمع‌آوری کرده است؛وی یافته‌های خود را طی سفرهای دور و درازش به مصر، کوفه، جزیره، ری و بغداد به شناسگانش، که عده ایشان نیز بالغ بر صد تن است، املا کرده است.^(۱۵)

قرآن کتابی سنگین و آسان

قرآن، کتابی شگفت و اعجازی استس که هیچ کس را توان آن نرسد که مثل آن را بیابود حتی اگر جنیان و انسان‌ها با هم گردآیند و ایندیگر را در این امر پشتیبانی کنند و یاری رسانند، (سراء، آیه ۸۸) است.
پیروان ایشان نباید از امانشان پیش بیفتند و حقایق را وارونه کنند و طوری موضع‌گیری کنند که گویی اختلاف مسلمین در اصول است و به این ترتیب در دام مکر مستکران عالم از مشرکین و یهود و نصاری که قرآن بر دشمنی آنها با اسلام صحه گذاشته، بیفتند و دشمنی آنها را فراموش کنند

امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید:

«همترین مردم نسبت به ما دو اصل توحید و نبوت مخالفت می‌ورزیدند. همواره با بزرگترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی بهره‌بیزد که انسان تنها بهره شیطان است. آنگونه که گوسفند تنها، طعمه کُرگ خواهد بود. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمانه من باشد.(نهج‌البلاغه – خطبه ۱۷۲)

مرضیه صوفیان

سیاسی و تحولات اجتماعی و دینی قرن اول و دوم هجری نه تنها ضرورت تنظیم سیره پیامبر را ایجاب می‌کرد، بلکه ضرورت تنظیم حدیث و فقه و تفسیر را هم در بر داشته است.»^(۱۶)

✽ مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

پانوشتها

۱- سوره فیل، ۵۱.

۲،۳. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ج اول، ۴۱۲، ق، ۱، ج ۳۰، ص ۱۹۱، مسعودی، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم، دار البهجره، ج دوم، ۱۴۰۹، ق، ۱، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴.طبری، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو ج ۱۰، ص ۸۲۵، جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد- بیروت، دار العلم للملایین- مکتبه النهضه، ج ۳، ص ۵۰۷.

۵. مجمع البیان، همان؛ اُوسمی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج اول، ۴۱۵، ق، ۱، ج ۳۰، ص ۴۲۰.

۶. مجمع البیان، پیشین، ج ۱۰، ص ۸۲۶، علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷، ق، ج ۲۰، ص ۳۶۱.

۷. رک: مقاله اصحاب فیل، مجله مکتب تشیع، اردیبهشت ۱۳۴۱، شماره ۸، ص ۱۳۷.

۸. رک: مقاله پژوهشی تاریخی در ماجرای اصحاب فیل، حسن فراهانی، مجله معرفت، فروردین ۱۳۸۰، شماره ۴۰، ص ۴۸.

۹. ابن هشام ، السیره النبویه، بیروت ، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۵۷؛ ازرقی، اخبار مکه، قم، انتشارات الشریف الرضی، ج اول، ۴۱۱، ق، ج ۱، ص ۱۳۶.

۱۰. همان‌ها، مجمع‌البیان، پیشین، ج ۱۰، ص ۸۲۶.

۱۱. رک: مقاله نگرشی عمیق به داستان اصحاب فیل، حمیدرضا دستغیب بهشتی، درس‌هایی از مکتب اسلام، مهر ۱۳۶۴، سال۲۵، شماره ۷، ص ۶۱.

۱۲. رک: مقاله اصحاب فیل، مجله مکتب تشیع، اردیبهشت ۱۳۴۱، شماره ۸، ص ۱۳۰.

۱۳. رک: مقاله لشکرکشی ابرهه به مکه به روایت تاریخ و قرآن، حمید آریان، مجله تاریخ در آینه پژوهش، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۷، ص ۲۵ تا ۸۲.

۱۴. ۱۵. دانشنامه جهان اسلام، ریز نظیر مصطفی مدرسیه، تهران، بنیاد

۱۶. تاریخ المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ش ۱۳، ج ۴، وزه، باده، شماره ۱۹۴۷.

۱۷. اجزاک ۲۱

۱۷. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الیابری

و عبد الحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، مقدمه تحقیق ص ۵.

۱۸. همان، ص ۱۳.

۱۹. واقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ج سوم، ۱۴۰۹، مقدمه محقق ص ۱۹.

مهاجرت از عادت

خیلی از افراد که سنگبار می‌کشند، وقتی پزشک به آنها می‌گوید، سنگبار نکش جواب می‌دهند، عادت کرده‌ام، نمی‌توانم عادت‌م را ترک کنم، ترک عادت موجب مرض است‌تا که حرف مفتی است.‌اله‌هاجر من هجر السیئات» مرد آن است که بتواند از آنچه که به او چسبیده است جدا شود و هجرت کند، اگر فردی از یک سنگبار کشتیدن نتواند هجرت کند، پس انسان نیست.

مرحوم آیت‌الله حجت «علی‌الله مقامه» یک سنگباری‌ای بود که من واقعا هنوز نظیر او را ندیده‌ام، گاهی سنگبار از سنگار قطع نمی‌شد، گاهی وقت‌ها هم که قطع می‌شدس طولی نمی‌کشید. در وقت یبرداری اوقات ایشسان به سنگبار کشتیدن می‌گذشت وقتی مرض شدند. برای معالجه به تهران آمدند و در تهران اطبا گفتند: چون بیماری ریوی هم دارید، باید سنگبار را قطع کنید، ایشان ابتدا به شوخی گفتند، من این سینه را برای سنگبار کشتیدن می‌خواهم، اگر سنگبار نباشد، سینه را می‌خواهم چه کنم؟ گفتند: به هر حال برایتان خطر دارد و واقعا مضر استس. فرمود مضر است؟ گفتند: بله گفت: دیگر نمی‌کشم یک نمی‌کشم کار را تمام کرد. یک حرف و یک تسلیم این مرد را به صورت مهاجر از یک عادت قرار داد.»

۱- گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۵۶

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۶

۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ - شماره ۳۱۷۸۶



تاثیرپذیری از دوستان و هم‌نشینان

قال‌النبی(ص): «المسرء علی دین خلیله و قرینه، فلینظر احدکم من یتخال»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: انسان، همان رنگ و بو، حال و هوا، و مذهب و اعتقاد و دینی را می‌گیرد که رفیق و انیس و دالدار و هم‌نشین او دارای آن است.»

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۵

حکایت خوبان

ملاک‌ها و آثار هم‌نشینی

رسول‌خدا(ص) می‌فرماید: خواریون حضرت عیسی(ع) عرض کردند: یا روح‌الله! یا چه کسی هم‌نشین شویم؟ حضرت فرمود: با آن کسی که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد، و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.»

امام علی(ع) می‌فرماید: هیچ چیز به اندازه هم‌نشینی با نیکان، آدمی را به خوبی فرامی‌خواند و از بدی نمی‌راند. ^(۱)

آن حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: هم‌نشینی با بدان، بدی می‌آورد، مانند باد که هرگاه بر بوی تغفن بگذرد آن را با خود جابجا می‌کند. ^(۲)

همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: با تهی‌دستان بنشین تا شکرگزاری از (خدا) زیاد شود. لقمان در نصیحتی به فرزندش می‌فرماید: فرزندم! با دانشمندان، نشست و برخاست کن و زانو به زانوی آنها بنشین، چه، خداوند عوجل دل‌ها را با نور حکمت زنده می‌گرداند، همچنان که زمین را با بارش آسمان زندگی می‌بخشد. ^(۳)

۱- میزان‌الحکمه، ج۲، ۲۴۰۳ - ۲- همان، ج ۲۴۰۶
۳- همان، ج ۱۰۱۳۸ - ۴- همان، ج ۲۴۱۱ - ۵- همان، ج ۲۴۰۶



پرستش و پاسخ

فلسفه دوستی و رفاقت (۱)

پرشن:

محیط رفاقتی نسبت به محیط‌های دیگر چه تأثیری در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد و اصول فلسفه و نقش دوست‌یابی از منظر اسلام چیست؟

پاسخ:

یکی از عوامل مهم تربیت انسان محیط است. انسان معمولاً در چند محیط خانوادگی، آموزشی، مذهبی، رفاقتی و شغلی تربیت می‌شود که بحث ما اکنون درباره محیط «رفاقتی» است که انسان، در آن ساخته می‌شود. بعد از محیط خانوادگی و محیط آموزشی شخصیت انسان در محیط رفاقتی است که شکل می‌گیرد و در آن ساخته می‌شود.

چرایی اهمیت محیط رفاقتی و روابط دوستانه

۱- محیط رفاقتی نسبت به محیط‌های دیگر، اثر گذاری‌اش قوی‌تر است و غالباً این‌طور است که به نوبی، بسر روی تأثیرات محیط‌های دیگر تربیتی اثر می‌گذارد. روش و تخصصی که انسان در این محیط می‌گیرد، می‌تواند روش‌ها و تخصص‌های دیگر را از بین ببرد.

۲- در قیامت، این پیوند رفاقتی، به پیوند دیگر تبدیل می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر این‌طور نیست که این پیوند گسسته شود، بلکه تبدیل می‌شود. یک وقت می‌بینید دو نفر که با هم قیو بودند، رابطه‌شان گسسته شد، و از هم جدا شدند. این یکی می‌رود دنبال کارش و آن یکی هم می‌رود دنبال کار خودش. از تو به خبر و ما را ما به سلامت! تمام شد.

اما در قیامت این‌طور نیست. پیوند حسی، نسبی، خانوادگی، همه این‌ها در قیامت قطع می‌شود. «یوم یُعَذُّ المرءُ مِن اُخیه و اُمیه و اَیه» تمام شد و رفت. اما پیوند رفاقتی این‌طور نیست. تعبیر آیه شریفه درباره دوستان این است که: «الْأَخِلَاءُ یُؤَمِّدُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَظْمًا الْأَمْتِئینَ» همه دوستان در قیامت، با هم دشمن می‌شوند، مگر برهیزرکاران. در قیامت این‌طور نیست که رفتا مثل پدر، مادر و برادر که می‌ورند دنبال کارشان، نیست. یک دسته از رفاقت‌ها به جای دوستی، دشمنی می‌آورد.

در سوره دیگر هم ما داریم که وقتی پیوند رفاقتی بر یک محور خاصی بود، این دوستی به دشمنی شدید تبدیل می‌شود و این‌ها به جان هم می‌افتند. چه بسا این دو را لعن کند، آن را لعن کند. یک وقت هست می‌گویي جدا شدند و رفتند دور کارشان، یک وقت می‌گویي جدا شدند ولی همدیگر را رها نمی‌کنند، دوستی‌شان تبدیل به دشمنی می‌شود، دسته دیگر، دوستی‌هایشان باقی می‌ماند و این‌ها هم در ربط با امور اخروی خیلی اثرگذار است. عبارت است از پیوند رفاقتی از آنجا است. به این جهت در بین همه پیوندها آن پیوند است که هم در ربط با امور دنیایی هم در ربط با امور اخروی اثرگذار است. عبارت است از پیوند رفاقتی ۳- رفاقت و دوستی میان دو نفر در صورتی شکل می‌گیرد و استوار می‌شود که هر دو هم‌جهت باشند، مانند ازدواج که اگر کفو هم نباشند، زندگی‌شان در یک جایی به بن‌بست می‌رسد و تمام می‌شود، یبرداری دوستی و ازدواج به این استس که در مسیر زندگی هم جهت و هم مقصد باشند. اگر یک هدفش خدا باشد و دیگری دنیا، این دوستی پایدار نیست و در یک نقطه‌ای در همین دنیا پایان می‌گیرد و به آخرت کشیده نمی‌شود.

فلسفه دوستی از نظر اسلام

به‌طور کلی هر پیوندی، یک سبب می‌خواهد. باید چیزی به عنوان «محور رفاقت» باشد تا دو نفر با هم رفیق شوند. دو نفر که دارند در خیابان راه می‌روند که یکدفعه با هم رفیق نمی‌شوند! یک چیزی باید باشد تا اینها را به هم ربط بدهد. بطور خلاصه، آن چیزی که می‌خواهد محور قرار بگیرد و سبب این پیوند بشود، یا یک امر مادی است و یا یک امر معنوی

کار دین و معنویت اسلام این است که انسان‌ها را به سوی وحدت و خدای واحد بخواند و حرکت دهد و تلاش تکلیلی انسان نیز در حقیقت حرکت و سلوک از گذرت به وحدت است. فلسفه دوستی از نظر اسلام هم همین است که در نظر در این مسیر به وحدت برسند و برای رسیدن به خداوند به هم کمک کنند، رفیق راه باشند، با هم تلاش کنند، عیب‌های یکدیگر را در این مسیر رفع نمایند، از هم در برابر دشمنان خدا دفاع کنند و همدل و همراه هم باشند.

در برخی حقیقت محور دوستی دو نفر یا چند نفر از نظر اسلام راه خداوند و توحیدگرایی است. اگر دوستی فی‌الله شد و محور خدا بود، دوستان با هم متحد می‌شوند و اختلافی بروز نمی‌کند و بیشان صفا و صمیمیت حاکم می‌شود، ولی اگر محور دنیا و کثرات دنیوی شد، اگر منافع مادی شد، خودخواهی بروز می‌کند و ریشه اختلاف‌ها و دشمنی‌ها در همین خودخواهی و منفعت‌طلبی است. لذا در آخرت هم همین نشئت و دشمنی بروز خواهد کرد.

ما در معارف‌داریم رفاقت‌هایی که بر محور مادیت و امور دنیایی درست شده است، در آخرت به دشمنی تبدیل می‌شود. «الْأَخِلَاءُ یُؤَمِّدُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَظْمًا» اما اگر رفاقت بر محور معنویت و امور اخروی باشد چنین نمی‌شود: «إِلَّا الْمَتْئِینَ» رفاقت برهیزرکاران استثناء شده است، یعنی اگر پیوند رفاقت بر محور معنویت باشد، به دشمنی و عداوت تبدیل نمی‌شود و باقی می‌ماند. این رفاقت در قیامت کارساز نیز هست. این یک قضیه و مطلب کلی است که در متن معارف ما هست. روایتی از امام صادق(علیه‌السلام) است که مثل «ضرب قانون» می‌ماند، گویی حضرت در باب دوستی یک قانون کلی را بیان کرده و می‌فرماید: «لا کُلَّ خُلَّةٍ کَلَّتْ فی الْمَنَّا فی نَفْسِ اللَّهِ فَمِنَّا یُسَبِّرُ عَدَاةَ» یَوْمَ الْقِیَامَةِ». آگاه باشید‌ها دوستی و رفاقتی که در دنیا «فی غیرالله» به محور معنویت نباشد، «ضرب عداوة یوم‌القیامة» در روز قیامت، تبدیل به دشمنی می‌شود. حضرت این آیه شریفه را کاملاً توضیح می‌دهد: «الْأَخِلَاءُ یُؤَمِّدُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَظْمًا إِلَّا الْمَتْئِینَ»، ایشان، این آیه را در این قالب می‌ریزد و بیان می‌کند.

صفحه معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه ،یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌نماری مستقیم: ۰۲۳۹۶۱۹۹۱ - ۰۲۳۲۲۱۱۳۵۲

Maaref@kayhan.ir